

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمونه سوالات تالیفی ونهایی درس نهم

فلسفه یازدهم انسانی

(چیستی انسان ۱)

تهیه و تنظیم

سید احمد صمدانی

استان آذربایجان شرقی

- ۱- انسان شناسی فلسفی یعنی در باره انسان.
- ۲- انسان شناسی فلسفی شاخه ای از است.
- ۳- گاهی به جای «انسان شناسی» از واژه استفاده می شود.
- ۴- وقتی «خود» در معنای به کار رود، خود شناسی معادل همان انسان شناسی است.
- ۵- بحث در باره حقیقت و چیستی انسان از دیدگاه است.
- ۶- وقتی خود شناسی به معنای شناخت هرکس از ویژگی ها و خصلت های خودش باشد، خودشناسی بیشتر در و کاربرد دارد.
- ۷- فیلسوفان در باره انسان نظرات مختلف و گاه دارند.
- ۸- یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل گیری فلسفه تاکنون مسئله «.....» بوده است.
- ۹- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در این دوره، اولین بار از جانب ابراز شد.
- ۱۰- می توان گفت که دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کننده دیدگاه استاد وی، نیز هست.
- ۱۱- افلاطون معتقد است انسان علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است و این حقیقت برتر همان است که قابل رؤیت نیست.
- ۱۲- افلاطون معتقد است نفس جزء انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و است.
- ۱۳- ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به است، نه بدن.
- ۱۴- نفس، به تدریج اموری مثل علم و احساس و محبت را کسب می کند و به می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- ۱۵- ارسطو معتقد بود «نطق یا تفکر» مربوط به بُعد غیر مادی انسان یعنی است.
- ۱۶- ارسطو در کتاب «در باره ی نفس» را مربوط به نفس می دانست و معتقد بود بدن از آن جهت زنده است که متصل به نفس است.
- ارسطو برای انسان دو بعد و قائل بود.
- ۱۸- ارسطو به وجود در وجود انسان معتقد بود.

۱۹- دوره جدید اروپا فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت شناسی به دو گروه و..... تقسیم شدند.

۲۰- یک جریان، همانند و.....، همچنان معتقد به وجود نفس یا روح هستند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان راهمان روح و نفس وی می دانند.

۲۱- جریان دیگر، به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود نفس را انکار کنند و انسان را یک بداند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی کنند و از..... به شمار آورند.

۲۲- از نظر دکارت روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و..... دارند، گرچه بایکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند.

۲۳- کانت، فیلسوف بزرگ دیگر اروپا که در قرن می زیست با استدلال دیگری که با استدلال..... متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت.

۲۴- کانت، معتقد بود انسان یک موجود..... و برخوردار از..... است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد.

۲۵- فیلسوفان عقل گرای دیگر نیز عموماً مانند..... و..... اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که مربوط به آن است.

۲۶- دکارت معتقد به نفس و بدن بود.

۲۷- دکارت به وجود..... اعتقاد داشت و آن را از بدن می دانست.

۲۸- دکارت می گوید: «منظور از من، همان.....».

۲۹- ماتریالیست ها معتقدند همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد..... و..... است.

۳۰- به نظر ماتریالیست ها..... و..... هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست.

۳۱- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار..... است، نه چیزی فراتر از آن.

۳۲- یکی از ماتریالیست های اولیه است که در قرن هفدهم در انگلستان می زیست.

-توماس هابز..... را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.

۳۴- مارکس، فیلسوف..... قرن نوزدهم نیز انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را..... تشکیل می دهند.

۳۵- به نظر مارکس، نیازهای اصلی انسان را..... تشکیل می دهند. و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر پیدا شده اند.

۳۶- داروینیست ها نیز عقایدی نزدیک به دارند.

۳۷- فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک

۳۸- داروینیست‌ها معتقدند که تفاوت انسان از سایر حیوانات..... است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز ندارد.

@ پاسخنامه:

- ۱- تفکر فلسفی ۲ فلسفه ۳ خودشناسی ۴- حقیقت انسانی ۵- فیلسوفان ۶- مباحث اخلاق / تربیت ۷- متضادی ۸- حقیقت انسان ۹- افلاطون ۱۰- سقراط ۱۱- نفس ۱۲- عقلانی / غیر فانی و جاوید ۱۳- نفس ۱۴- فعلیت ۱۵- روح ۱۶- حیات وزنده بودن ۱۷- مادی و غیر مادی ۱۸- روح ۱۹- عقل گرایان / تجربه گرایان ۲۰- افلاطون / ارسطو ۲۱- موجود مادی / آثار و لوازم بدن ۲۲- خاصیت های متفاوت ۲۳- هجدهم / دکارت ۲۴- اخلاقی / وجدان اخلاقی ۲۵- دکارت / کانت / اختیار و اراده ۲۶- دوگانگی ۲۷- ذهن / جدای ۲۸- ذهن ۲۹- مادی / جسمانی ۳۰- ذهن / روان ۳۱- پیچیده ۳۲- توماس هابز ۳۳- ذهن بشر ۳۴- ماتریالیست / نیازهای مادی ۳۵- نیازهای مادی / نیازهای مادی ۳۶- ماتریالیست ۳۷- حیوان راست قامت ۳۸- پیچیده تر / پیچیدگی

* تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است.:

۳۹- مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های سقراط نیز هست.

۴۰- افلاطون به صورت مبهم بیان کرده که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد.

۴۱- از نظر افلاطون، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۴۲- ارسطو می گوید: تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.

۴۳- ارسطو همانند افلاطون معتقد است که بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.

۴۴- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالفعل دارد و هیچ چیز بالقوه ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر.

۴۵- مقصود از ارسطو ناطق بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است.

۴۶- از نظر ارسطو، انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند؛ یعنی از تعریف و استدلال خود کمک می گیرد و علم را سامان می دهد.

۴۷- ارسطو معتقد است گویا انسان در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.

۴۸- از جهت انسان شناسی نیز در دوره جدید اروپا به تدریج، دو تلقی از انسان پیدا شد و تجربه گرا و عقل گرا پدید آمد.

۴۹- دکارت، فیلسوف فرانسوی، درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور با واسطه فعالیت می کند.

۵۰- از نظر دکارت، بدن، حقیقت من انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر وی من، همان عقل یا تفکر است که مرکز اندیشه های ماست.

۵۱- از نظر دکارت این روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۵۲- از نظر دکارت روح از قوانین متافیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین متافیزیکی تبعیت نمی کند و آزاد است.

۵۳- کانت، از راه اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار، نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد.

۵۴- از نظر کانت اختیار ویژگی عقل است، نه بدن که یک امر مادی است.

@ پاسخنامه:

۳۹- ص ۴۰- غ ۴۱- ص ۴۲- غ ۴۳- ص ۴۴- غ ۴۵- ص ۴۶- غ ۴۷- ص ۴۸- ص ۴۹- غ ۵۰- غ ۵۱- ص ۵۲- غ ۵۳- ص

۵۴- غ

۵۵- هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار هم

بنویسید؟ (یک مورد در سمت چپ اضافی است)

۱- یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل گیری فلسفه تاکنون الف- نفس

۲- انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. ب- روح

۳- جزء عقلانی انسان از نظر افلاطون ج- حقیقت انسان

۴- نفس انسان در هنگام تولد از نظر ارسطو د- افلاطون

۵- از نظر دکارت "من" و- بالفعل

ی- بالقوه

@ جواب: ۱/ ج ۲/ د ۳/ الف ۴/ ی ۵/ ب

- ۱- روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند.
- الف- فیلسوفان عقل‌گرا
- ۲- انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است.
- ب- داروین
- ۳- اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.
- ج- مارکس
- ۴- انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.
- د- کانت
- ۵- ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان انسان نیست.
- ذ- دکارت
- ۶- ذهن بشر شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می‌کند.
- ر- ماتریالیست‌ها
- ۷- نیازهای اصلی انسان را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند.
- ز- ارسطو
- ۸- انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت.
- و- توماس هابز
- ی- افلاطون

@جواب: ۱/ذ ۲/د ۳/د ۴/الف ۵/ر ۶/و ۷/ج ۸/ب

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

- ۵۷- در اصطلاح خودشناسی اگر خود به معنای باشد، به حوزه اخلاق و تربیت مربوط بوده و اگر به معنای باشد، معادل انسان شناسی است.
- ۱- انسان نوعی-انسان کامل
- ۲- انسان کامل-انسان نوعی
- ۳- خصلتهای فردی-حقیقت انسانی
- ۴- حقیقت انسانی-خصلتهای فردی
- ۵۸- کدام گزینه در باره چیستی انسان نادرست است؟
- ۱- از نظر دکارت ذهن و بدن با یکدیگر هستند و ذهن از بدن استفاده می‌کند
- ۲- ذهن از دید دکارت مجموعه‌ای از سلول‌های مغزی است که افکار را جمع و جور می‌کند
- ۳- ماتریالیست‌ها تفاوت انسان و رایانه را در میزان پیچیدگی شان می‌دانند
- ۴- ماتریالیست‌ها معتقدند همه چیز از جمله انسان از نوعی ماده ساخته می‌شوند.
- ۵۹- ریشه‌گرایشات اخلاقی انسان از نظر مکتب داروینیسم چیست؟
- ۱- تکامل هر چه بیشتر فطرت حیوانی
- ۲- بازگشت به غریزه اخلاقی در نهاد بشر
- ۳- ابداع آزادانه قواعد برای سعادت جمعی
- ۴- الزامات زندگی در محیط اجتماعی

@جواب سوالات تستی: ۵۷- (گزینه ۳) ۵۸- (گزینه ۲) ۵۹- (گزینه ۴)

۶۰- «انسان شناسی فلسفی» به چه موضوعاتی می پردازد؟

این شاخه از فلسفه به مسائل مهم و بنیادین در باره انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان آینده ی وی و نیز ویژگی های متمایز انسان و هویت اخلاقی او می پردازد.

۶۱- با توجه به سوالات ذیل انسان شناسی دوره یونان باستان (افلاطون و ارسطو) پاسخ دهید:

الف- نظر دقیق و روشن درباره ی انسان، در این دوره، اولین بار از جانب چه کسی بود؟

افلاطون

ب- منظور افلاطون از حقیقت برتر در انسان چیست؟

نفس

ج- به عقیده افلاطون نفس (حقیقت برتر انسان) چه ویژگی هایی دارد؟ (سه مورد کافی است)

۱- غیر قابل رویت (نامرئی) ۲- مجرد ۳- جاوید (غیرفانی) ۴- جزء عقلانی ۵- دارای عقل و خرد

د- تعبیر ارسطو از نظر استاد خود افلاطون در مورد قوه ناطق و قابلیت حیات چیست؟

ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن.

ذ- به عقیده ارسطو تفکر و نطق مربوط به کدام بُعد وجودی انسان است؟

به بُعد غیرمادی وجود انسان یعنی روح است.

ر- منظور ارسطو از ناطق بودن انسان چیست؟

مقصود از ناطق بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است.

۶۲- در دوره جدید اروپا، فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت شناسی و انسان شناسی چند تلقی از انسان وجود داشت؟ نام ببرید.

دو/ تجربه گرا و عقل گرا

۶۳- از فیلسوفان معتقد به وجود نفس یا روح در یونان باستان دو مورد را نام ببرید؟

افلاطون و ارسطو

۶۴- فیلسوفان عقل‌گرای اروپایی معتقد به این که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است دو نفر را نام ببرید؟ دکارت و کانت

۶۵- فیلسوفان ماتریالیست عصر جدید اروپا را نام ببرید؟ هابز و مارکس

۶۶- داروینست‌ها از نظر فکری در مورد انسان به کدام مکتب فلسفی نزدیک هستند؟ ماتریالیست‌ها

۶۷- داروینست‌ها تمایز و تفاوت حقیقی بین انسان و حیوان را در چه می‌دانند؟

انسان با حیوانات تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.

۶۸- به چه دلیل نمی‌توان از نظر ماتریالیست‌ها و داروینست‌ها برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد؟

چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد.

@سوالات پاسخ کامل

۶۹- خودشناسی به چه مفهومی است و چه هنگام معادل انسان‌شناسی به کار می‌رود؟

دو معنا دارد، ۱- خودشناسی گاه به معنای شناخت هر کس از خود، ویژگی‌ها و خصلت‌های خودش به کار می‌رود؛ معنای اخیر بیشتر در مباحث اخلاقی و تربیت کاربرد دارد.

۲- کاربرد دیگر: گاه مقصود از «خود» همان حقیقت انسانی است؛ وقتی خود در معنای حقیقت انسانی به کار برود، «خودشناسی» معادل همان «انسان‌شناسی» خواهد بود.

۷۰- دو مورد از نظرات افلاطون درباره روح (نفس) و بدن انسان را بنویسید؟

۱- انسان علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیتهای بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست.

۲- از نظر افلاطون، نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

۳- تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.

۴- نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیرفانی و جاوید است.

۷۱- دومورد از نظرات ارسطو درباره روح (نفس) و بدن انسان را بنویسید؟

۱- ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن.

۲- بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.

۳- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه

هیچ چیز دیگر

۴- نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود.

۷۲- به نظر ارسطو نفس انسان به هنگام تولد چگونه است و چگونه کامل می شود؟

از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه

هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود.

۷۳- کارکرد و ویژگی های تفکر از نظر ارسطو چیست؟ و از کجا نشأت می گیرد؟

ارسطو معتقد بود تفکر و نطق مربوط به بُعد غیر مادی وجود انسان یعنی «روح» است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند؛ یعنی

از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم

استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.

۷۴- جریانات و طرز تفکرهای متقابل انسان شناسی نسبت به وجود نفس یا روح انسان را در دوره اروپای جدید را با یکدیگر مقایسه

کنید؟

یک جریان، همانند افلاطون و ارسطو، همچنان معتقد به وجود "نفس" یا "روح" هستند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و

حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند.

جریان دیگر، به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود نفس را انکار کنند و انسان را یک موجود مادی بدانند و یا نفس را چیزی فرعی

نسبت به بدن تلقی کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار آورند

۷۵- نظر طرز تفکری که در دوره جدید اروپا اصولاً وجود نفس را انکار می کردند را بنویسید؟

انسان را یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.

۷۶- اندیشه و اعتقاد دکارت در باره حقیقت انسان چیست؟ توضیح دهید.

دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار عملی کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر وی "من"، "روح" یا "نفس" است که مرکز اندیشه های ماست. روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۷۷- منظور دکارت از اصطلاح "من" چیست؟ بررسی کنید.

دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار عمل می کند اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر وی "من"، "روح" یا "نفس" است که مرکز اندیشه های ماست. روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۷۸- دوگانگی ذهن و بدن را در فلسفه دکارت بررسی کنید؟

روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۷۹- چه شباهت هایی در رابطه با حقیقت انسان، بین آرای ارسطو و دکارت مشاهده می شود؟ مقایسه کنید.

۱- هر دو انسان را موجودی دو بُعدی می دانند.

۲- هر دو معتقد به «بُعد غیر مادی» در وجود انسان هستند.

۳- هر دو فعالیت هایی از قبیل تفکر و قدرت استدلال را به بُعد غیر مادی نسبت می دهند.

۸۰- چگونه اثبات حقیقت نفس انسان از نظر کانت را توضیح دهید؟

کانت با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد که گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیاریت و ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

۸۱- نظر «ماتریالیست ها» در رابطه با «حقیقت انسان» چیست؟

ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند هر چیز، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. آنها می گویند: ذهن هم تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند؛ بر اساس این نظریه انسان نهایتاً مانند یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

۸۲- عقاید هابز درباره ذهن بشر را بنویسید؟

او ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.

۸۳- نظریه مارکس در مورد انسان را بنویسید؟

انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۸۴- نظریه داروینست ها در مورد حقیقت انسان را توضیح دهید؟

داروینیست ها که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.

۸۵- نتایج فلسفی «داروینیست ها» درباره انسان، متأثر از چه نظریه ای بود؟

داروینیست ها فیلسوفانی هستند که از نظریه ی داروین درباره ی پیدایش حیات تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند.

۸۶- آیا داروینیست ها بین انسان و سایر حیوانات تفاوتی قائل هستند؟

خیر. آنان می گویند: «انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت. با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است همانطور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد، (هر دو حیوان اند) انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد. انسان نیز تفاوت واقعی با پرنده ندارد.

۸۷- نظر داروینیست ها در رابطه با حقیقت انسان چیست؟ آیا قائل به بُعد غیرمادی در وجود انسان هستند؟

از نظر داروینیست ها چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. مثلاً اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده به این دلیل نبوده که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود داشته، بلکه به این دلیل بوده که انسان ناچار وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و این زیست اجتماعی او را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن ها کرده است.

۸۸- به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها، دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ناشی از چیست؟

به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند باهم زندگی کنند.

